

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۷

مشکلات و دشواری‌های حضرت علی علیه‌السلام در دوره خلافت و راه‌حل‌های آن

محسن غلامی*

چکیده

امام علی علیه‌السلام بیست‌وپنج سال از اداره جامعه دور نگه‌داشته شد و درحالی‌که خلیفه‌های سه‌گانه امام علی علیه‌السلام را بهتر از خود می‌دانستند اما با تصاحب خلافت، جامعه را از شیوه هدایت الهی، عالمانه و عاقلانه علی علیه‌السلام محروم کردند. با کشته شدن عثمان؛ نخبگان، بزرگان از مهاجر و انصار و عموم مردم برای خلافت به علی علیه‌السلام مراجعه کردند اما امام علی علیه‌السلام می‌دانست که بیست‌وپنج سال حکومت نادرست سه خلیفه جامعه را به انحراف کشانده است و اداره جامعه بسیار مشکل خواهد بود. اصرار مردم و اتمام حجت برای علی علیه‌السلام باعث شد تا علی علیه‌السلام برای حل مسئله و مشکلات ناشی از قتل عثمان، مسائل نژادی، عدالت اقتصادی، انحرافات و شبهات دینی، اجتهاد عامیانه، عزل حاکمان فاسد و ظالم و فساد اجتماعی، اقدام نماید. امام علی علیه‌السلام رسالت اصلی خود را اصلاح می‌دانست و اصلاح خرابی‌هایی که از بعد از رحلت پیغمبر در زمان خلفای سه‌گانه به وجود آمده بود را، تکلیف خود می‌دانست و درصدد اصلاح آن‌ها بود. این کار بسیار دشوار بود و او را رودرروی بسیاری از اشراف و مفسدین قرار می‌داد. علی علیه‌السلام دو اقدام به کاربردن که یکی با زبان و اقدامات اجتماعی آرام و دیگر از طریق جنگ با کسانی بود که حاضر به رعایت حقوق نشده بودند.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه‌السلام، خلفای سه‌گانه، مشکلات امام علی علیه‌السلام.

* دانش‌آموخته سطح سه تاریخ تشیع موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه‌السلام.

مقدمه

زمانی که امام علی علیه السلام عهده‌دار خلافت شد کوهی از مشکلات و دشواری‌ها در برابر ایشان وجود داشت که به سبب انحرافات ایجاد شده در زمان خلفای سه‌گانه بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله به وجود آمده بود. حضرت علی علیه السلام تا لحظه شهادت با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کرد تا اسلام را در مسیر راستین قرار دهد و در نهایت نیز در راه احیای سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و احیای دین اسلام به شهادت رسیدند.

مشکلات و مسائل فراروی حضرت علی علیه السلام

۱- مسئله قتل عثمان^۱

در ماجرای کشته شدن عثمان حضرت امیر علیه السلام به دو دلیل مخالف کشتن او بود. اول اینکه نمی‌خواست خلیفه کشی باب شود و دوم اینکه نمی‌خواست افرادی همچون معاویه و دیگران از کشته او سوءاستفاده کنند لیکن حوادث طوری طی شد که دشمنان حضرت علی علیه السلام وی را مسئول قتل عثمان دانستند و حتی گروه‌هایی به طمع رسیدن به خلافت به بهانه خونخواهی عثمان علیه علی علیه السلام، قیام کردند که منجر به جنگ‌های جمل و صفین شد و همچنین بعد از جمل جریانی به نام عثمانی از بصره شروع شد.

۲- مسئله عدالت اقتصادی

در زمان خلفا، شیوه تقسیم غنائم و بیت‌المال بر مبنای ترجیح قریش بر غیر قریش و مهاجران بر انصار و عرب بر موالی و غیر عرب بود. عمر دیوان را بر دوپایه سوابق اسلامی افراد و وابستگی قبایلی قرار داده بود. علاوه بر آن، عثمان بذل و بخشش‌های شخصی خود را آغاز کرد و توجه زیادی به بنی‌امیه نمود و این امر سبب شد تا فاصله میان طبقات غنی و فقیر جامعه زیاد شود. امام

۱ - علی علیه السلام در نهج‌البلاغه در چهارده جا از قتل عثمان و ... سخن فرموده است.

علی علیه السلام اموال را به‌طور مساوی تقسیم نمود. دلیل علی علیه السلام بر این کار، عملکرد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. (انی حاملکم علی منہج نبیکم صلی الله علیه و آله) حضرت علی علیه السلام فضل مهاجر و انصار بر دیگران را برتری معنوی خواند که نزد خداوند محفوظ بوده و پاداش آن نزد خداست اما در این دنیا هرکس که دعوت خدا و رسول صلی الله علیه و آله را بپذیرد و مسلمان شده و به قبله مسلمانان نماز بگذارد از تمامی حقوق، بهره‌مند و حدود اسلام بر وی اجرا خواهد شد امام علی علیه السلام با تأکید بر سیاست خود فرمود: مبادا کسی بگوید حرمنای علی بن ابی طالب حقوقنا،^۱ علی بن ابیطالب ما را از حقوقمان محروم کرد. طلحه و زبیر وقتی روش تقسیم امام علی علیه السلام را مشاهده کردند به امام علی علیه السلام گفتند در کارها با ما مشورت نمی‌کنی و اختلاف تو با عمر در روش تقسیم است، تو سهم ما را همانند دیگران که زحمتی برای اسلام نکشیده‌اند دادی. علی علیه السلام فرمود تا وقتی حکمی در کتاب خدا آمده جای مشورت نیست. در مورد تقسیم، من و شما شاهد بودیم که رسول خدا به این‌گونه عمل می‌کرد.

یعقوبی و عدّه دیگری از مورخان نوشته‌اند که وقتی از امام علی علیه السلام پرسیدند چرا اموال را بین مردم به‌طور مساوی تقسیم می‌کنی؟ حضرت علی علیه السلام فرمود: در کتاب خدا، فرزندان اسماعیل بر اسحاق برتری ندارند.^۲ بسیاری از مورخان نوشته‌اند که علت حمایت نکردن برخی از اعراب از علی علیه السلام و مخالفت با ایشان این بود که در تقسیم اموال، صاحبان مقام را بر غیر عرب و عرب را بر عجم برتری نمی‌داد. بعدها عبدالله بن عباس ضمن نامه‌ای به امام حسن علیه السلام

۱ - کافی، ج ۸، ص ۳۶۰، امالی شیخ طوسی، ص ۷۲۹، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، صص ۳۶-۳۷.

۲ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۳، بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۴۱، الغارات، ج ۱، ص ۷۰.



نوشت: مردم از آن روی، پدرت را ترک کردند و به سوی معاویه رفتند که اموال را به تساوی میانشان تقسیم می‌کرد و آنان تحمل این امر را نداشتند.^۱

۳- مسئله مسائل نژادی

از سنت‌های خلیفه دوم تبعیض نژادی در جامعه بود. زمانی که امام علی علیه السلام بر سرکار آمد جامعه برتری عرب بر موالی را اصل مسلم فرض کرده بود. امام علی علیه السلام خطاب به مهاجر و انصار فرمود که بی‌جهت مالی را به کسی نخواهد داد و «لأَسْوَيْنَ بَيْنَ الْأَسْوَدِ وَالْأَحْمَرِ» میان سیاه‌وسفید به تساوی رفتار خواهد کرد.^۲

برخورد عادلانه امام علی علیه السلام با موالی و عجم، سبب اعتراض متعصبانی چون اشعث بن قیس کندی شد. زمانی که امام روی منبر بود اشعث فریاد زد: «عَلَيْتَنَا عَلِيكَ الْحَمْرَاءُ» موالی از ما به شما نزدیک‌تر و عزیزتر شده‌اند. این موالی سفیدروی بر ما غلبه یافته‌اند.

۴- انحرافات و شبهات دینی

یکی از مشکلات و موانع مهم، مشکل انحراف از دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. انحرافات دینی همان چیزی بود که عثمان تحت عنوان بدعت رأی، متهم شده بود. دلایل این انحرافات عبارت بود از:

۱- شیوة «حسبنا کتاب الله» ولی با این شعار و شیوه برخلاف دستورات قرآن در بیشتر مسائل پیش رفتند و خود را صاحب تشریح می‌دانستند.

۲- اجتهاد عامیانه؛ ابوبکر در آغاز خلافت گفت: «رسول خدا مستظهر به وحی بود ولی دست من از وحی کوتاه است پس به اجتهاد و مصلحت‌اندیشی خود عمل می‌کنم». اجتهاد عامیانه مرزی نداشت و بسیاری از بدعت‌ها، بیعت‌های به‌زور و تحمیلی، مصادره‌ها، تهاجم‌ها به‌خصوص تهاجم به خانه

۱- الفارات، ج ۱، ص ۷۵، نزالدر، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- المستدرک، ج ۱۱، ص ۹۳.



حضرت زهرا (س) و شهادت حضرت زهرا (س)، جنایت و قتل «مالک بن نویره» توسط خالد بن ولید، جنایات معاویه، یزید، خلفای مروانی و ... با اجتهاد توجیه شد. منع شدید نوشتن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به بهانه اینکه با وحی و قرآن آمیخته نشود و حتی قیاس و استحسان در فقه عامه بر همین معنا و اساس پی‌ریزی شد. هر موقع که امام علی علیه السلام می‌خواست تغییراتی در آن‌ها بدهد می‌گفتند: «واعمره». هنگامی که از او خواستند تا او نیز از سنت خلفای پیشین پیروی کند، فرمود: «ام انزل الله سبحانه دینا ناقصا فاستعان بهم علی اتمامه؟» آیا خداوند دین را ناقص فرستاده است که از آن‌ها برای اتمام دین کمک گرفته است؟^۱

یکی از نمونه‌های واضح برخورد امام علی علیه السلام با بدعت‌ها، برخورد با نماز تراویح بود که عمر با پذیرفتن این‌که بدعت است - گرچه به قول خودش بدعت خوب - آن را برقرار کرد. زمانی که امام در کوفه بود کسانی نزد امام آمدند و از حضرت خواستند تا برای نماز تراویح آنان در ماه رمضان امامی تعیین کند. امام آنان را از این کار نهی فرمود. شب‌هنگام فریاد واعمره بلند شد. امام در اذان خود جمله «حی علی خیر العمل» را که عمر حذف کرده بود می‌آورد. امام علی علیه السلام علت پیدایش جنگ‌های داخلی میان مسلمانان را رسوخ شبهه و کج‌فکری در میان مردم دانستند: «ولکننا ائما أصبحنا نقاتل إخواننا فی الإسلام علی ما دخل فیه من؟ و الإعوجاج و الشبهة و التأویل» امروز ما از آن روی با برادران مسلمانمان وارد جنگ شده‌ایم که انحراف، کجی، شبهه و تأویل در اسلام وارد شده است.^۲

۵- مسئله حاکمان فاسد و ظالم

عزل حاکمانی که بیش از ۱۵ تا ۲۰ سال ریشه مادی، نظامی و قبیله‌ای داشتند نقطه شروع کارشکنی‌ها و مبارزات علیه امام علی علیه السلام بود. حضرت

۱ - الغدیر، ج ۹۸، ص ۱۰۰، تاریخ الخلفاء، ص ۲۴۱، حیاة الصحابه، ج ۳، ص ۵۰۵، نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۶۱، خطبه ۱۸.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

علی علیه السلام در اولین قدم برخی از کارگزاران فاسد عثمان را از مناطق شام، بصره، یمن، مکه و مصر برکنار می‌کند.^۱ از جمله این افراد معاویه بود که امام پس از استقرار در کوفه ضمن نامه‌ای به او نوشت: پس از بیعت مردم مدینه با من، بر تو نیز که در شام هستی، بیعت لازم است چراکه همان مردمی که با سه خلیفه گذشته بیعت کردند با من نیز بیعت کرده‌اند. اگر زحمتی برای ما ایجاد کردی با تو کارزار خواهیم کرد. تو در مورد قتل عثمان اصرار کردی اما اگر خوب دقت کنی و با عقل - نه با هوا - بنگری در میان قریش از من مبراً تر در مورد خون عثمان نخواهی یافت.^۲

معاویه در حضور نامه‌رسان علی علیه السلام بالای منبر رفت و با ذکر مظلومیت خون عثمان از مردم شام خواست تا آماده خونخواهی باشند آنان نیز با او بیعت کردند.^۳ معاویه ضمن نامه‌ای، علی علیه السلام را متهم به شرکت در قتل عثمان کرد و علاوه بر آن، اختلافات گذشته او را با خلفای پیشین مطرح کرد و گفت: تو نسبت به آنان حسادت کرده و بر آنان بغی و ستم کردی.^۴

امام علیه السلام بر آن شد که عبدالله بن عباس را به حکومت شام بفرستد. ابتدا نامه‌ای به معاویه نوشت و در آن ضمن آگاه کردن او از اینکه مردم بدون مشورت او عثمان را کشتند اما اکنون از روی مشورت و اجتماع، او را به خلافت انتخاب کرده‌اند از او خواست تا همراه اشراف شام به مدینه بیاید. نامه‌رسان وقتی برگشت گفت: از طرف مردمی می‌آید که معتقدند تو عثمان را کشته‌ای و جز به کشتن تو رضایت نمی‌دهند.^۵

۱ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۷، الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۹۵.

۲ - وقعة الصفین، ص ۳۰، فتوح، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳ - فتوح، ج ۲، ص ۳۲.

۴ - انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۷۸.

۵ - انساب الاشراف، ج ۲، صص ۲۱۱-۲۱۲.

از دیگر موانع برای حضرت در برداشتن معاویه، همراهی عمرو بن عاص با معاویه است. معاویه علاقه عمرو بن عاص بر ریاست مصر را می‌دانست و از عمرو خواست تا به کمک او بیاید.^۱ عمرو ضمن پذیرش دعوت معاویه، خواست تا شرط آن را ولایت مصر قرار دهد. مسعودی می‌نویسد: به نظر می‌رسد با توجه به خصلت‌هایی که معاویه داشت در مقابل سخت‌گیری‌های به‌حق علی علیه السلام در رعایت موازین اسلامی چاره‌ای جز جنگ بین طرفین وجود نداشت و تنها حاکم بین آنان شمشیر بود.^۲ این حقیقت برای هر دو طرف آشکار شده بود لذا به جمع‌آوری نیرو پرداختند. معاویه با تکیه بر خونخواهی عثمان شروع به تحریک مردم کرد به طوری که نامه‌رسان معاویه به علی علیه السلام گفت: «معاویه طوری مردم را تحریک کرده که ۵۰ هزار پیرمرد در زیر پیراهن عثمان گریه می‌کنند».^۳ در نهایت جنگی در منطقه صفین میان سپاه امام علی علیه السلام و سپاه معاویه در گرفت که بنا به نقل مسعودی صد و ده روز به طول انجامید که هفتاد هزار نفر کشته شدند، از این تعداد ۴۵ هزار نفر مربوط به سپاه معاویه و ۲۵ هزار نفر مربوط به سپاه علی علیه السلام بودند. از صحابه معروف پیامبر صلی الله علیه و آله عمار، هشام بن عتبّه، خزیمه بن ثابت معروف به ذوالشهادتین و همچنین اویس قرنی به شهادت رسیدند.^۴ جنگی که عاقبت تلخی با حیلۀ عمرو عاص در بالا بردن قرآن‌ها بر سرنیزه و به وجود آمدن حکمیت پیدا کرد چراکه به تعبیر امام علی علیه السلام تنها یک‌نفس از دشمن باقی مانده بود.^۵



۱ - وقعه صفین، ص ۳۳.

۲ - مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳ - فتوح ابن اعثم، ج ۲، ص ۳۵۸.

۴ - التنبيه و الاشراف، ص ۲۵۶.

۵ - اخبار الطول، ص ۲۵۶.

۶- مسئله فساد اجتماعی

رفاه گرایی شدید مردم، سبب تضعیف آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه شده بود و به دین جز صورت ظاهر، بهای چندانی داده نمی‌شد. زمانی که خلیفه سوّم به رفاه گرایی شدید غلطید همین روحیه در رعایای او نیز ظاهر شد و به تدریج جامعه را از جهت دینی گرفتار مشکل کرد. جامعه‌ای که گرفتار فتنه و فساد شد به سادگی نمی‌تواند خود را به تعادل اخلاقی برساند. امام علی علیه السلام در ضمن یکی از خطبه‌ها، جامعه خود را همانند جامعه جاهلی معرفی می‌کند و می‌فرماید وضعیت امروز شما همانند آن روز شده است که خداوند رسولش را مبعوث کرد.^۱ امام علی علیه السلام در همان‌جا به دگرگونی ارزش‌ها در آن جامعه و لزوم تحول آن سخن گفتند که چنین جامعه‌ای باید غربال شود، آنان که پیش افتاده‌اند بازگردانده شوند و آنان که پس مانده‌اند پیش برده شوند. ظهور معاویه به‌عنوان شخصی مزور و منحرف در عرصه سیاست اسلامی، خود بزرگ‌ترین فتنه و فساد در جامعه بود. همین‌طور جریان عثمانی در بصره و خوارج در کوفه. این‌ها جریان‌ات فاسدی بودند که گاه با علم به باطل بودن خود و گاه به خیال پیمودن راه حق، راه را بر حق روان بستند.^۲ امام فتنه معاویه را چنان می‌دید که می‌فرمود: پشت و روی این کار را نگرستم و دیدم جز این راهی نیست که جنگ با آنان را پیش گیرم یا به آنچه محمد صلی الله علیه و آله آورده است کافر شوم.^۳

راه‌حل و سیاست‌های امام علی علیه السلام برای مقابله با مشکلات و انحرافات

امام علی علیه السلام رسالت اصلی خود را اصلاح می‌دانست و اصلاح خرابی‌هایی را که از بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله در زمان خلفای سه‌گانه به وجود آمده بود را بر خود تکلیف می‌دانست. این کار بسیار دشوار بود و او را رو در روی بسیاری از

۱ - نهج البلاغه ابن ابی الحدید، خطبه ۱۶.

۲ - حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۷۵.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۵۴.

اشراف و مفسدین قرار می‌داد. علی علیه السلام دو اقدام به کاربردن که یکی با زبان و اقدامات اجتماعی آرام و دیگر از طریق جنگ با کسانی بود که حاضر به رعایت حقوق نشده بودند و سر به عصیان برداشته بودند. در آنجایی که طلحه و زبیر به طمع امارت بصره و کوفه به امام علی علیه السلام روی آورده بودند امام علی علیه السلام در مقابل دنیاگرایی و فزون‌خواهی این دو نفر حاضر نشد که خواسته آنان را انجام دهد و نتیجه این برخورد امام علی علیه السلام، جنگ جمل بود که طلحه و زبیر به کمک عایشه به راه انداختند. علی علیه السلام طی نامه‌هایی به عمال خویش آنان را از نشستن سر سفره‌های رنگین که در دوره عثمان بسیار طبیعی شده بود نهی می‌کرد.^۱ حضرت در برابر سیاست عدم کتابت حدیث، بر فراز منبر رفت و اعلام فرمود: کسانی که مایل هستند تا علم را بنویسند کاغذ و قلمی فراهم آورند. حارث اعور وسایل نوشتن را آماده کرد و آنچه را حضرت نقل می‌کرد می‌نوشت.^۲

از دیگر اقدامات امام علی علیه السلام مقابله با قصه‌خوانی از یهودیان بود که حضرت در اصل با نقل آثار یهودیان مخالف بود. آن حضرت درباره کسی که قصه حضرت داود را با اوریا از منابع یهودی نقل کرده بود برخورد کرد و فرمود اگر کسی آن را نقل کند او را حد خواهم زد.^۳ در این حکایت دروغین به حضرت داود نسبت گناه و زنا داده شده است. زمانی که حضرت به بصره آمد قصه‌خوانان را از مسجد بیرون کردند.^۴ امام علی علیه السلام در امر دین به هیچ صورتی حاضر به مداهنه نبود و خود می‌فرمود: و الله لا أدهنت فی دینی، به خدا سوگند من هرگز در کار دینم مداهنه نکردم.

۱ - حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۷۶.

۲ - طبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۱۶.

۳ - مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۴۷۲.

۴ - وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۵.



یک بار شخصی از بنی اسد را برای حد نزد امام علی علیه السلام آوردند. بنی اسد از علی علیه السلام خواستند تا از اجرای حد صرف نظر کند آن حضرت فرمود: شما از من چیزی را که در اختیار من باشد نخواهید خواست جز آن که به شما خواهم داد. آنان راضی بیرون آمدند. امام علی علیه السلام حد را بر آن شخص جاری کرد و فرمود: این کار از آن خدا بود و در اختیار من نبود که آن را به شما دهم.

نتیجه‌گیری

حضرت علی علیه السلام زمانی به حکومت رسید که مشکلات و مسائل اجتماعی در جامعه اسلامی به حداعلای خود رسیده بود. قتل عثمان و پیامدهای آن، ظلم و تبعیض اقتصادی و نژادی، انحرافات و شبهات دینی و حاکمیت انسان‌های فاسد و ظالم، جامعه را در بحران فروبرده بود. شاید یکی از دلایل هجوم و استقبال اولیه مردم برای خلافت علی علیه السلام وجود این بحران‌های و مسائل مهم در جامعه بود و مسلمانان می‌دانستند که فقط علی علیه السلام می‌تواند چنین مسائلی را حل نماید.

عدالت، محوری‌ترین اصول حکومت و سیاست امیرالمؤمنین علیه السلام برای پاسخ به مشکلات و حل مسائل بود. حضرت در برپایی و اجرای عدالت به هیچ تسامح و مصلحت‌اندیشی قائل نبود از این رو با همه موانع اجرای عدالت در جامعه مبارزه کرد و اقدامات اساسی را انجام داد. در استرداد اموال عمومی از متجاوزان هیچ‌گونه مسامحه‌ای نداشت.

امام علی علیه السلام مدتی کوتاه و آن‌هم در اوضاع بس بحرانی و آشوب‌زده بر قلمرو و سرزمین اسلامی حاکمیت یافت و با همه ویرانی‌ها، نابسامانی‌ها، تبعیض‌ها و بدعت‌هایی که میراث دار آن بود، سیمایی از حکومت و رفتار ترسیم کرد که برای همیشه حیات سیاسی و اجتماعی جامعه بشری رهگشا خواهد بود.



فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح
۲. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر دار الاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۷ ق.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵.
۵. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، هند، بی نا، ۱۳۹۳ ق.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت دار صادر، ۱۴۰۵.
۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۹۷ ق.
۸. آبی، منصور بن حسین، نثر الدر، مصر، الیهیئة العامة المصریه، ۱۹۸۱ م.
۹. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، مصر: دار الیقظة العربیة، ۱۹۷۷.
۱۰. نقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (م ۲۸۳)، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
۱۱. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انصاریان، ۱۳۶۹.
۱۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین فی الحدیث، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۸.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت دارالاحیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱.
۱۴. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، ۱۹۶۰ م.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة المدنی، ۱۳۷۱ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمیة الاسلامیة.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، امالی شیخ صدوق، نجف: بی تا، بی نا.
۱۸. کاندهلوی، محمد یوسف، حیات صحابه، بیروت: دار القلم، ۱۹۶۸ م.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.

مشکلات و دشواری‌های حضرت علی علیه السلام در دوره خلافت و راه‌حل‌های آن

۲۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، التنبيه و الاشراف، تحقیق: عبدالله اسماعیل، قاهره: ۱۳۶۴ ش.

۲۱. مسعودی، علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: دارالاندلس، ۱۳۵۸ ق.

۲۲. نصر بن مزاحم، وقعة الصفین، تحقیق عبدالسلام هارون، قم: مکتبه آیة الله مرعشی، ۱۴۰۴.

۲۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، ۱۳۴۷.

